

نشست علمی «فضای صدور روایات امامتی امام رضا (علیه السلام)» برگزار شد

پیامبر بزرگ اسلام(ص) است که روایات با این موضوع متعدد است و دسته دوم روایت مربوط به علایم ظهور است که با توجه بهفهم علامه مجلسی تطبیق این روایت بر ظهور حضرت ولی عصر(عج) ناصواب بوده و بلکه به زمان وزندگانی امام رضا(ع) مرتبط است.

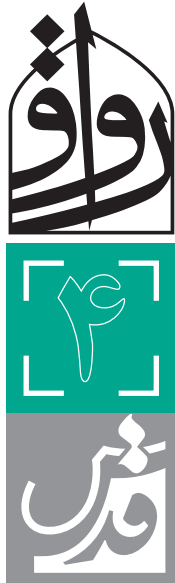
آید، ضمن اینکه اطلاعات تاریخی سیاسی، فرهنگی و... در این حوزه نیز باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.
حجت الاسلام والمسلمین ستایش به تحلیل دودسته از روایت‌های امام رضا(ع) و فضای صدور آن‌ها پرداخت و گفت: دسته نخست، روایت‌های تکریم فرزندان و ذریه

وی با اشاره به راه‌های کشف فضای صدور روایت‌ها گفت: برای کشف فضای صدور مراحل وجود دارد از جمله تشکیل خانواده حدیث و گردآوری تمامی احادیث «هم‌موضوع» حتی احادیث مخالف و سپس دیدگاه و آرای فرق و گروه‌های معاصر امام گویندهٔ حدیث بدست

به همت پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، نشست علمی «فضای صدور روایات امامتی امام رضا(ع)» برگزار شد.
حجت الاسلام والمسلمین رحمان ستایش، عضو هیئت علمی دانشگاه قم در این نشست به اهمیت فضا و سبب صدور احادیث رضوی پرداخت.



اگر مردم می‌دانستند در زیارت مزار امام حسین (ع) چه فضیلتی است از شوق آن می‌مردند.



همانند

فرش‌نشینان اینجا

عرش‌نشینان عالمند. اصلاً در حرم همه چیز جلوه مهر دارد، از رنگ کاشی‌های لاجورد و آخربای تاب‌خورده در پای پیچک‌های

سقف بگیرد تا نقش قالی‌هایی که انگار، تکه‌ای بریده از ابریشم پُرنگار به‌شستند. آن طور که آدم گاهی درمی‌ماند، زمین را در یابد یا آسمان را. بخشی از این همه زیبایی را آنانی ساخته‌اند که قرن‌هاست دست‌های بخششده‌شان ریزش تا درشت نیازمندی‌های زائر را دریافته و پی رتق و فتق آن گردن نهاده‌اند. فرش کردن حرم برای نشست و برخاست زائران، یکی از هزاران کار خوبی است که از گذشته تا امروز تداوم یافته و سوای بجای آوردن اسباب آسایش زائر، آداب میزبانی را هم رعایت کرده است.

فرش و نخستین وقف‌نامه‌هایش

اسناد نشان می‌دهند از دوره صفوی تا قاجار اهدای فرش به حرم حضرت خورشید، به دو صورت خرید فرش و یا اهدای اموالی برای خرید آن انجام می‌شده است. برای نمونه «خواجه علاءالدین حاجی» نخستین واقفی است که در سال ۹۳۳ هجری قمری مزرع‌ای در شهرستان تربت حیدریه برای تأمین فرش حرم مطهر رضوی وقف آستان حضرت رضا(ع) کرده است. سوای او در میان اسناد وقفی

به همت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی نشست «آسیب‌شناسی زیارت» برگزار شد.

به گزارش آستان‌نبوز محسن محمدی، نویسنده کتاب «آسیب‌شناسی زیارت با تمرکز بر زیارت رضوی» در این نشست که صبح دیروز (اول مرداد) در محل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برگزار شد، عنوان کرد: در موضوع زیارت پژوهش‌های متعددی در حوزه مباحث تاریخی و ادب و معرفت زیارت انجام شده و میراث ارزشمندی بر جای مانده است، اما در عرصه‌های دیگری همچون کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن کارهای چندان انجام نشده است.

وی با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب نیز بر حوزه سیاسی و اجتماعی زیارت تأکید دارند، ابراز کرد:

حرم مطهر و وقف حضرت رضا(ع) در نظر گرفته‌اند.

ناگفته نماند دایره موقوفاتی که واقف اموالی را برای تأمین فرش بارگاه منور رضوی وقف کرده تنها محدود به این اسامی نمی‌شود و علاوه بر مشهد و اطراف آن می‌توان در شهرهایی مانند ساری، نیشابور، قزوین و کرمان نیز موقوفاتی را

به این محوریت پیدا کرد. قدیمی‌ترین سندی هم که به وقف مستقیم فرش اشاره دارد، مقارن با سال ۱۱۱۳ هجری قمری است که نشان می‌دهد زائری قاینی، نمذ کرک الوانی را به حرم مطهر وقف کرده است.

همچنین نخستین سندی که در آن به موضوع فرش کردن حرم مطهر

هر چه بیشتر گفت‌وگوی ادیان استفاده کند و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی نیز می‌تواند با دعوت از نمایندگان ادیان و برگزاری نشست‌های بین‌المللی تخصصی در حوزه آسیب‌شناسی زیارت، این موضوع را در دستور کار پژوهش‌های خود قرار دهد.
محمدی ادامه داد: در موضوعات اخلاقی، کلامی، تاریخی و فقهی زیارت فعالیت‌های پژوهشی فراوانی انجام شده و در این حوزه به غنای فکری رسیده‌ایم اما در مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیارت کار چندان‌ی انجام نشده است.

■ **پژوهشی درباره نسبت زیارت و گردشگری**
وی در بخش دیگری از سخنانش، کتاب «آسیب‌شناسی زیسارت با تمرکز بر

زیارت رضوی» را معرفی و عنوان کرد: این اثر در راستای آسیب‌شناسی اخلاقی زیارت درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا تلاقی گردشگری و زیارت از ماهیت و ابعاد دینی و معنوی زیارت نمی‌کاهد؟ و آیا می‌توان گردشگری دینی را در بستر اخلاقی و دینی بررسی کرد؟ یا اینکه آیا زیارت و گردشگری دو مفهوم نامتجانس هستند که مبانی و مؤلفه‌های متفاوتی دارند؟ این نویسنده تصریح کرد: این کتاب در هفت بخش با موضوعات «کلیات»، «گردشگری دینی در ادیان دیگر»، «زیارت و گردشگری دینی»، «آثار و ابعاد گردشگری دینی»، «مقایسه تطبیقی زیارت رضوی و گردشگری» و «راهکارهای مقابله با آسیب نگرش گردشگرانه به زیارت» تدوین شده است.

پرداختن به ماجرای خاتم‌بخشی امیرمؤمنان(ع) البته ختم به همین‌ها نمی‌شود. نه مخالفان و دشمنان اهل بیت(ع) بلکه موافقان هم در روایت کردن این ماجرا وارد جزئیات شده و حتی دنبال مشخصات انگشتی که توسط علی(ع) بخشیده شده نیز رفته‌اند و اینکه چقدر ارزش داشته است. برخی‌ها روایت کرده‌اند که: «وزن حلقه انگشتی که حضرت علی(ع) به فقیر داد، چهار مثقال و وزن نگیں آن پنج مثقال و جنس آن نگیں، یاقوت سرخ بوده و بهای آن با مالیات شام (۳۰۰ بار شتر نقره و چهار بار شتر طلا) برابری می‌کرده است». بحث درباره صحت و سقم ارزش واقعی انگشت ر البته نه چیزی به شأن و یا صحت ماجرای «خاتم‌بخشی» و یا «آیه ولایت» می‌افزاید و نه چیزی از آن کم می‌کند. مهم اصل ماجرا و آن چیزی است که خداوند متعال در پایان آیه به آن تأکید می‌کند و به نظر می‌رسد پایین و بالا کردن قیمت یا ارزش انگشتی معروف، بیشتر ما را از اصل بحث دور خواهد کرد.

این را هم اضافه کنیم که انگشت علی(ع) هر چقدر ارزش داشته یا نداشته، متعلق به فردی به نام «مروان بن طوق» بوده که گویا در جنگ به دست حضرت علی (ع) کشته می‌شود. حضرت علی(ع) انگشت را و به عنوان غنیمت جنگی نزد پیامبر(ص) می‌برد. پیامبر(ص) نیز آن را به ایشان هدیه می‌دهد.

روایت کرده‌اند، به این هم معترف‌اند که در واقع خداوند در این ماجرا و با آیه ولایت، «ولی امر» آینده مسلمان را به آن‌ها معرفی می‌کند. آیه ولایت همچون برخی دیگر از وقایع مهم دوران صدر اسلام از شبهه و تردید در امان نمی‌ماند. برخی از متعصبان سعی می‌کنند هم برای این آیه، شأن نزول دیگری بتراشند و هم در اصل داستان «خاتم‌بخشی» شک و شبهه ایجاد کنند که چگونه ممکن است علی(ع) با آن همه توجه به پروردگار در نماز، یک باره متوجه سائل می‌شود و در حین رکوع به او اشاره می‌کند که بیاید و انگشتش را ببرد؟ به این پرسش خیلی‌ها پاسخ داده‌اند که: شنیدن صدای سائل و کمک به او، توجه به خویشتن یا دیگری نیست بلکه عین توجه به خداست. علی(ع) در حال نماز از خود بیگانه بود نه از خدا. ضمن اینکه بیگانگی از خلق خدا، بیگانگی از خداست. به عبارت دیگر پرداخت زکات در حال نماز، انجام عبادت در ضمن عبادت است نه انجام بگ عمل مباح در ضمن عبادت.

آن‌هایی هم که شأن نزول آیه ولایت را برای افراد دیگری دانسته‌اند، روایت و قولشان آن قدرها معتبر و مطمئن نیست که بشود عالمانه و آگاهانه به آن اعتماد کرد.

متأسفانه ما در حوزه مطالعات بین‌ادیانی آن طور که باید مطالعات مؤثری انجام نداده‌ایم و چه بسا گاهی شاهد افول دینی در این نوع مطالعات هستیم.

این پژوهشگر ادامه داد: ما در اسلام زیارت را به عنوان قوه قاهره برتر معرفی می‌کنیم و معتقدیم آنچه در سایر ادیان به صورت پراکنده بیان شده‌اما در اسلام به همه ابعاد و ضوابط آن توجه صورت گرفته است.

یک پیشنهاد

وی با اشاره به ظرفیت‌های آستان قدس رضوی در این حوزه، پیشنهادی را مطرح کرد و گفت: این آستان مقدس می‌تواند از ظرفیت عظیمی که در بخش بین‌الملل خود دارد، در زمینه ایجاد

نگاه

ماجرای «خاتم‌بخشی» امیرمؤمنان (علیه السلام) و ارتباط آن با آیه ۵۵ سوره مائده

آیه ولایت



و به پیامبر(ص) گفت: بخوان... إِنَّمَا وَلَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.

آینده مسلمانان

همین روایت و داستان کوتاه اما معانی بلند و عبرت آموزی با خود همراه دارد. چه اینکه اغلب آن‌هایی که این ماجرا را دیده یا شنیده

رواق|ماجرا فقط یک اتفاق

یا روایت و... نیست که همین ابتدای کار برویم سراغ سندهایش و بحث کنیم که چه تعداد از علمای اهل سنت یا شیعه درباره آن اتفاق نظر دارند و چه تعداد ندارند.

پشتوانه ماجرای «خاتم‌بخشی» امیرمؤمنان(ع) در روزی مثل امروز، آیه ۵۵ سوره مائده است: إِنَّمَا وَلَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» که از آن به «آیه ولایت» یاد می‌شود. بر اساس بیشتر روایت‌ها همه داستان «خاتم‌بخشی» همین چند جمله است: «روزی فقیری وارد مسجد پیامبر(ص) شد و تقاضای کمک کرد؛ اما کسی چیزی به او نداد. او دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم اما کسی به من چیزی نداد. در همین حال، علی(ع) که در حال رکوع بود، به انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، فقیر نزدیک آمد و انگشتش را از دست او بیرون آورد». از عبدالله بن عباس چنین نقل شده است که ابوذر غفاری گفت: پیامبر(ص) که در حال نماز بود این جریان را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: خداوندا برادرم موسی(ع) از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند و

همین روایت و داستان کوتاه

اما معانی بلند و عبرت‌آموزی با خود همراه دارد. چه اینکه اغلب آن‌هایی که این ماجرا را دیده یا شنیده و روایت کرده‌اند، به این هم معترف‌اند که در واقع خداوند در این ماجرا و با آیه ولایت، «ولی امر» آینده مسلمان را به آن‌ها معرفی می‌کند.

آیه ولایت همچون برخی دیگر از وقایع مهم دوران صدر اسلام از شبهه و تردید در امان نمی‌ماند. برخی از متعصبان سعی می‌کنند هم برای این آیه، شأن نزول دیگری بتراشند و هم در اصل داستان «خاتم‌بخشی» شک و شبهه ایجاد کنند.